

## بررسی جایگاه مشارکت و نظارت در نظام سیاسی اسلامی

حسن محمد میرزائی<sup>۱</sup>، شهره پیرانی<sup>۲</sup>

۱- نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد و پژوهشگر دانشگاه

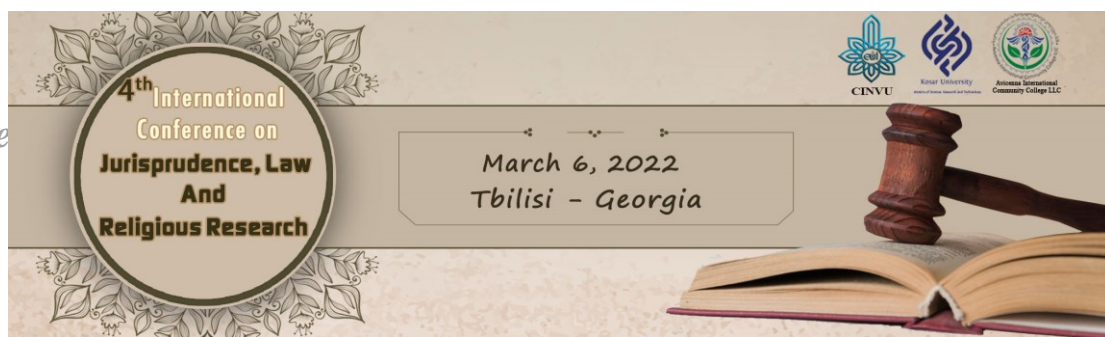
جامع امام حسین (ع)

۲- استادیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

### چکیده

انقلاب اسلامی به عنوان یکی از بزرگترین و مؤثرترین تحولات تاریخ معاصر در پی تشکیل نظامی مبتنی بر مبانی و اهداف خود بوده است لذا با پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر اندیشه های اسلام سیاسی به صورت جدی مورد توجه و پیگیری حضرت امام خمینی (ره) و بزرگان انقلاب قرار گرفت. اما طبیعی است این نظام که مبتنی بر قواعد فقهی و عقلی است همانند هر نظام سیاسی دیگری با مسائلی مهمی مواجه گردد که دو مورد از مهمترین و بنیادی ترین آن ها، مسائل مشارکت و نظارت می باشد. با توجه به جایگاه کلیدی این دو مؤلفه در تمامی جوامع بالاخص در جامعه ایرانی برخاسته از انقلاب اسلامی، بحث و بررسی و بحث پیرامون آن ها از اهمیت زیادی برخوردار است. لذا در این مقاله سعی می گردد با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه ای و با بهره گیری از منابع مختلف سؤال اصلی این مقاله که همان چیستی و کیفیت مشارکت و نظارت در نظام سیاسی اسلامی است پاسخ داده شود. بر اساس بررسی های صورت گرفته، این دو اصل از اصولی ترین مؤلفه های تشکیل و استمرار نظام اسلامی بوده و ریشه در مبانی اسلامی و قواعد عقلی دارد.

**واژگان کلیدی:** انقلاب اسلامی، نظام سیاسی، تشیع، مشارکت، نظارت

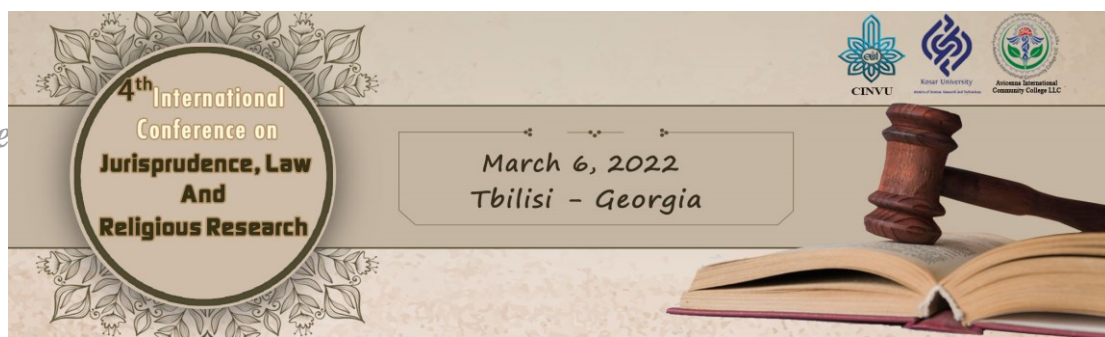


## مقدمه

«اگر در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام سازی نشود، آن ها را خطر تهدید می کند. در همین کشورهای شمال آفریقا، ما یک تجربه ای داریم مربوط به هفتاد سال پیش؛ اواسط قرن بیستم. در همین تونس انقلاب شد، نهضت شد، کسانی آمدند سرکار؛ در همین مصر انقلاب شد، کودتا شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار - در جاهای دیگر هم همین طور- اما نتوانستند نظام سازی کنند؛ نظام سازی که نکردند، این موجب شد که نه فقط آن انقلاب ها از بین رفت، بلکه حتی آن کسانی که به نام آن انقلاب ها سر کار آمده بودند، خودشان از این رو به آن رو شدند، صد و هشتاد درجه جایشان را عوض کردند؛ خودشان هم خراب شدند» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه های جهان اسلامی و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱).

آنچه که از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مبرهن و روشن است اهمیت مسئله نظام سازی بالاخص در کشورهایی است که شاهد نهضت ها و انقلاب های مردمی و اسلامی بوده اند. درست است که فقه سیاسی تشیع با مؤلفه های مختلف خود نقش مؤثری در شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی داشته است اما تحقق عینی مفاهیم موجود در آن با پیروزی انقلاب و تشکیل نظامی مبتنی بر مبانی فقهی اسلام تبلور یافت. لذا جای هیچ شکی نیست که تشکیل حکومت اسلامی و نظام سازی مبتنی بر مفاهیم فقه سیاسی تشیع یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی جهت نیل به سایر اهداف بوده است.

باید گفت قبل از پیروزی انقلاب، علی رغم اینکه بسیاری از صاحب نظران و علماء طرفدار پیوند دین و سیاست بودند اما در عمل موفق به تشکیل حکومت دینی نشدند ولی امام خمینی (ره) با تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه رابطه میان دین و سیاست را در عمل اثبات کردند (زحمتکش و جعفری، ۱۳۹۰) که البته ناگفته نماند یکی از دلایل اصلی پذیرش عمومی این نوع از حکومت را می توان در نقش پیش روانه ای که حضرت امام (ره) به عنوان مرجع تقلید در مسائل دینی و سیاسی داشت جستجو نمود (درخشه، ۱۳۸۰). باید این نکته را نیز قید کرد که نظریه ولایت فقیه با وجود اینکه باعث ایجاد تحول گسترده و بی سابقه ای در اندیشه و فقه سیاسی شیعه گردید بلحاظ تاریخی و ایدئولوژیکی دارای سابقه طولانی بوده و در درون پارادایم فکری امامت قرار می گیرد و نقطه کانونی فکری اندیشه شیعه است و طرح آن باعث عدم گسست در استمرار این پارادایم محوری می شود (درخشه، ۱۳۸۰). بنابراین می توان گفت با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، این نظام به دنبال ارائه ایده ای مجزا از ایده های معمول حکومت داری بوده است چرا که این نظام مبتنی بر مبانی معرفتی و فلسفی خاصی است که دارای نگاهی خداگرایانه می باشد (افروغ، ۱۳۸۶).



با مقدمه ای که گفته شد تردیدی نیست یکی از مهمترین عوامل مؤثر در استمرار و موفقیت انقلاب ها در اهداف و آرمان هایشان بحث نوع نظام سیاسی بعد از آن می باشد، نظامی که مبتنی بر مبانی و آرمان های آن انقلاب بوده و بتواند نیازهای مردم را بر اساس وعده های داده شده پاسخ دهد. لذا ضروری است که این مسئله در مورد انقلاب اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گیرد. نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی دینی که مبتنی بر فقه و فلسفه سیاسی تشیع می باشد نظامی دینی و شیعی است که قصد دارد مسائل بنیادین و راه حل های آن را با در نظر گرفتن همین مبانی و اقتضائات روز پاسخ دهد. اما آنچه که در مورد تمامی نظام ها و از جمله نظام اسلامی بعد از بحث ریشه ای مشروعیت، محل پرسش قرار می گیرد مسائل چستی و کیفیت "مشارکت" و "نظارت" در آن ها می باشد. مسائلی که در تمامی نظام ها از اهمیت بالایی برخوردار است و همواره مورد توجه اندیشمندان و آحاد مردم یک جامعه بوده است.

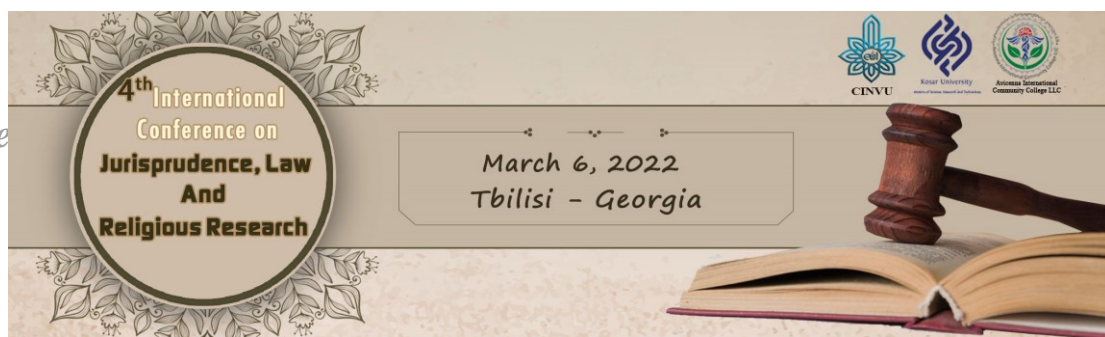
در این مقاله سعی می گردد با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه ای، با بیان مقدماتی، متون و منابع مربوط به مشارکت و نظارت در نظام اسلامی بررسی شده و راه حل های فقهی آن مورد توجه قرار گیرد. اما منظور از منابع و اسناد در روش کتابخانه ای، چیزهایی هستند که در قالب جمله ها و عبارت ها، مفهوم و معنایی را به مخاطب و خواننده منتقل می کنند و می تواند در قالب نثر، نظم، یا نوشته های دستی، خطی، چاپی و یا الکترونیکی باشد (از کیا و دربان آستانه، ۱۳۸۹).

بنابراین سؤال اصلی این مقاله این است که اصول مشارکت و نظارت در نظام سیاسی اسلامی چگونه است و به چه شکلی پاسخ داده می شود؟

برای پاسخ به این سؤال و نیل به هدف اصلی مقاله، ابتدا نظام سیاسی اسلامی به صورت اجمالی مورد بحث قرار گرفته و در ادامه مسائل مشارکت و نظارت و راه حل های فقهی آن مورد بررسی قرار می گیرد.

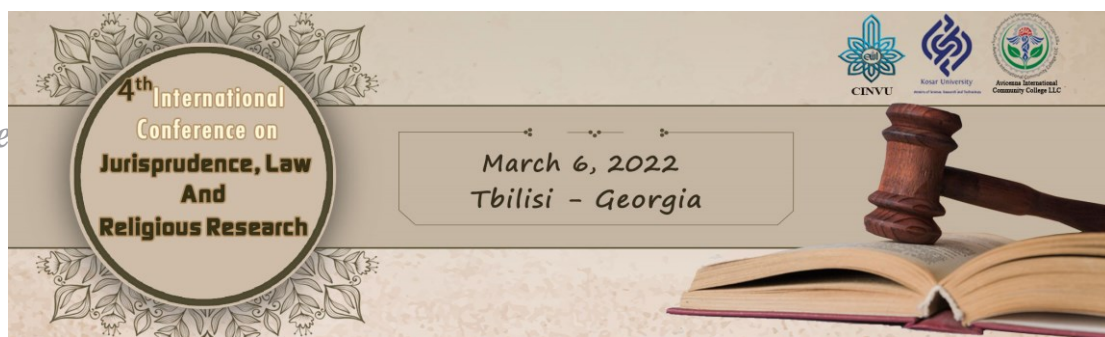
### نظام سیاسی اسلامی؛ امکان و ضرورت آن

به عقیده بنیانگذار انقلاب اسلامی، صرف وجود قوانین و احکام الهی باعث اصلاح، هدایت و سعادت انسان ها نمی شود و خداوند متعال برای اجرا و اداره این احکام و قوانین، حکومتی را نیز مستقر و معین کرده است و مؤلفه هایی همچون لزوم وجود دستگاه و مؤسسات اجرایی، سنت و رویه پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و نیز ضرورت استمرار اجرای احکام الهی از دلایل لزوم تشکیل حکومت می باشد (خمینی، ۱۳۷۷). از نظر اسلام هدف از تشکیل حکومت اجرای دستورات الهی و هدایت انسان ها در جهت رسیدن به کمال الهی است و البته در این میان تأمین اهداف و نیازهای مادی آن ها نیز مدنظر می باشد (مصباح یزدی-ب، ۱۳۸۸). همچنین اداره امور جامعه با محوریت فقیه جامع الشرایط، مسئله ای است که مورد تأیید آیات قرآن و روایات می باشد و بر این اساس، تشکیل حکومت در زمان غیبت نه تنها جایز که واجب و لازم است، بر اساس ادله های قرآنی،



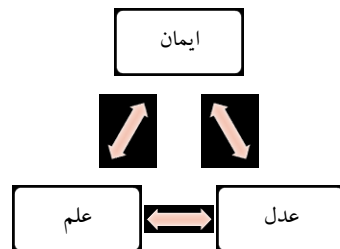
غیبت معصوم (ع) جواز دست کشیدن از حکومت نیست و عالم عادل، حاکم دینی است، بر اساس روایات اهل بیت (س)، فقها به عنوان جانشینان پیامبر (ص) معرفی شده و بر اساس اسنادی چون مقبوله عمر بن حنظله و توقيع شریف امام زمان (عج)، فقها (با احراز شرایطی که ذکر گردیده است) حجت ایشان بر مردم بوده و در واقع از سوی ایشان بر مردم حاکم شده اند (شاد، ۱۳۹۸). از همین رو، بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره) چنانچه در عصر غیبت، فقیهی دو ویژگی مهم "علم به قوانین الهی" و "تقوا" را دارا بوده و برای تشکیل حکومت اقدام نماید، ولایت او در استمرار ولایت پیامبر اکرم (ص) بوده و بر مردم واجب است که از ایشان پیروی نمایند (خمینی، ۱۳۷۷). اما علاوه بر دلایل نقلی، برای ضرورت حکومت اسلامی و نظریه ولایت فقیه دلایل عقلی نیز ارائه شده است که بر دو قسم می باشد: **یکی**؛ برهان عقلی محض که بر اساس آن ولایت فقیه، همچون بحث وجوب نبوت و امامت از جانب خداوند اثبات می شود که در واقع همان "قاعده لطف" است مبتنی بر این قاعده، از آنجایی که اولاً؛ وجود حکومت صالح و حاکم عادل در هدایت و صلاح معنوی جامعه نقش تعیین کننده ای دارد و ثانیاً؛ چون وجود حکومت صالح و حاکم عادل در هدایت و رشد جامعه نقش بسزایی دارد و پیامد نادرستی نیز ندارد، مقتضای لطف و حکمت الهی بر عملی شدن آن است، و **دیگری** برهان عقلی غیر محض؛ با توجه به اینکه در اسلام مجموعه ای از احکام وجود دارد که بدون در اختیار داشتن قدرت و حکومت امکان اجرای آن وجود ندارد، لذا تشکیل حکومت و وجود حاکم عادل امری لازم و ضروری است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۶).

پس از بیان مقدمه ای کوتاه پیرامون ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، باید گفت وقتی در ایام تباعد از امام خمینی (ره) در مورد ماهیت حکومت و اجرای قوانین اسلامی و شباهت آن با کشورهای مانند عربستان و لیبی سؤال می پرسند ایشان پاسخ می دهند چیزی که به عنوان جمهوری اسلامی مدنظرشان است در هیچ کجای جهان وجود خارجی ندارد (خمینی، بی تا). در واقع حکومت مدنظر ایشان حکومتی است که قبل از پیروزی انقلاب و در حاشیه بحث ها و درس های مربوط به "ولایت فقیه"، آن را چنین معرفی می نمایند: «حکومت اسلامی هیچ یک از انواع حکومت های موجود نیست ... حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه مشروط است. البته نه مشروط به معنی متعارف فعلی آن که تصویب قوانین تابع آراء اشخاص و اکثریت باشد. مشروط از این جهت که حکومت کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود ... حکومت اسلام همان حکومت قانون است. در طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت نام دارد ... باری، حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است و فقط قانون بر جامعه حکمفرمایی دارد»



(خمینی، ۱۳۷۷). از منظر امام خمینی (ره) مهمترین مسئله برای تشکیل نظام اسلامی قبل از هر چیزی بحث شناخت اهداف آن می باشد که ایشان هدف اصلی را در برپایی عدل و از بین بردن فساد در روی زمین می دانند. در وهله دوم نیز ثبات و استحکام نظام اسلامی را در رهبری آن می بینند و معتقدند در چنین نظامی مبتنی بر مبانی و فرامین الهی رهبری باید حائز شرایطی باشد که مهمترین آن ها علمیت و شناخت قوانین الهی و عادل بودن می باشد. بر اساس چارچوب فکری ایشان که مبتنی بر آموزه های قرآنی است نظام های سیاسی به دو دسته حق و باطل تقسیم می شوند که هر کدام از آن ها ویژگی های خاص خود را دارند، بر این اساس مهمترین ویژگی و کارکرد نظام سیاسی حق مدار، دعوت عموم مردم به توحید و قیام برای خدا و برپایی عدل بر روی زمین می باشد و در مقابل کار ویژه اصلی نظام سیاسی باطل، فساد بر روی زمین می باشد، در مجموع مبتنی بر نگاه ایشان، نظام حق محور، نظام سیاسی- الهی است و نظام باطل محور نیز نظامی طاغوتی است (نقوی، ۱۳۹۵).

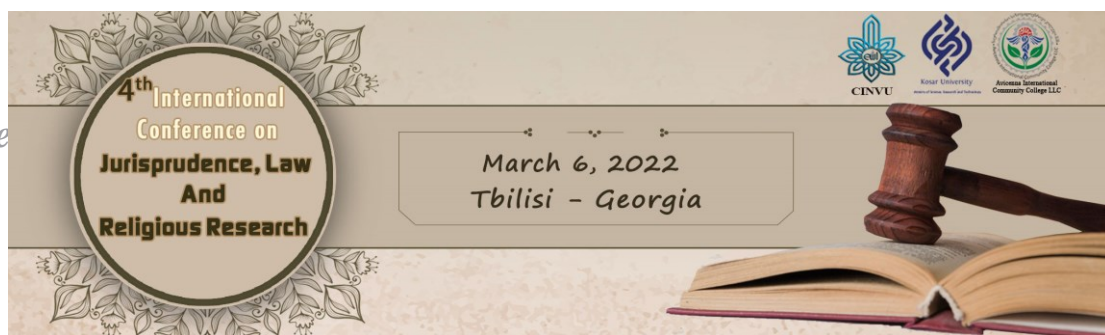
همین طور که پیداست لازم است نظام اسلامی با ماهیت الهی آن همسو باشد، در واقع باید جهت دهی نظام اسلامی در چارچوب احکام اسلامی باشد، به عبارت دیگر، مهمترین تفاوت نظام اسلامی با نظام های دیگر در نوع نگاه آن به انسان و سازمان می باشد (موسی زاده، ۱۳۹۹). بر این اساس مهمترین فایده نظام سازی اسلامی را می توان در هدایت جامعه اسلامی به سودی اهداف مدنظر اسلام و تأسیس تمدن نوین اسلامی دانست (علی اکبری بابوکانی، ۱۳۹۵).



### نمودار شماره ۱: عناصر اصلی نظام سازی و جامعه سازی اسلامی

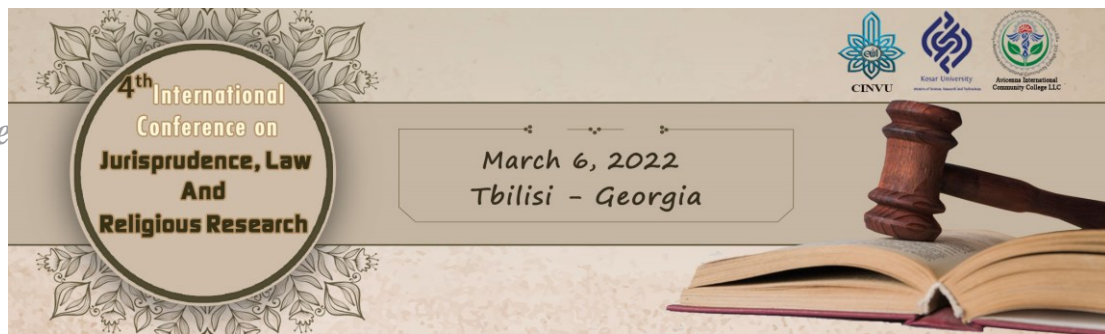
(بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹/۰۶/۰۲)

وقتی صحبت از نظام سازی و تمدن سازی و عناصر آن ها می شود، باید آن ها را در مواجهه با مسائل و دیدگاه های غیر یا رقیب مورد بررسی قرار داد، چرا که نظام سازی و تمدن سازی فرآیندی نیست که در خلاء شکل بگیرد و در تعاملات پیچیده بشر نیز، این رقابت های تمدنی و اندیشه ای شکل جدی تری به خود گرفته است. به طور کلی مؤلفه های نظام بین الملل موجود و اسلام سیاسی را می توان در قالب جدول زیر مشاهده نمود:



جدول شماره ۱: مقایسه برخی مؤلفه های نظام بین الملل و اسلام سیاسی  
(عبدخدایی و بیات، ۱۳۹۶)

مؤلفه ها	نظام بین الملل موجود	اسلام سیاسی
اهداف	حفظ وضع موجود	تغییر وضع موجود
بازیگر	دولت - ملت	امت محور
منافع	منافع ملی، قومی و نژادی	حفظ منافع در چارچوب معیارهای اسلامی مبتنی بر رعایت حق دیگران و عدالت
نگرش فلسفی	رتالیسم ماده محور	رتالیسم فضیلت گرا و ارزش محور
حقوق و حاکمیت	منبعث از حق سلطه (دولت های مدرن خودکامه) یا اکثریت آرا (دولت های مدرن جمهوری)	منبعث از حاکمیت الهی بر مبنای رعایت حق انتخاب و آزادی مردم (حکومت اسلامی)
هویت	ناسیونالیسم ملی	جهان شمولی دینی



## مشارکت در نظام سیاسی اسلامی

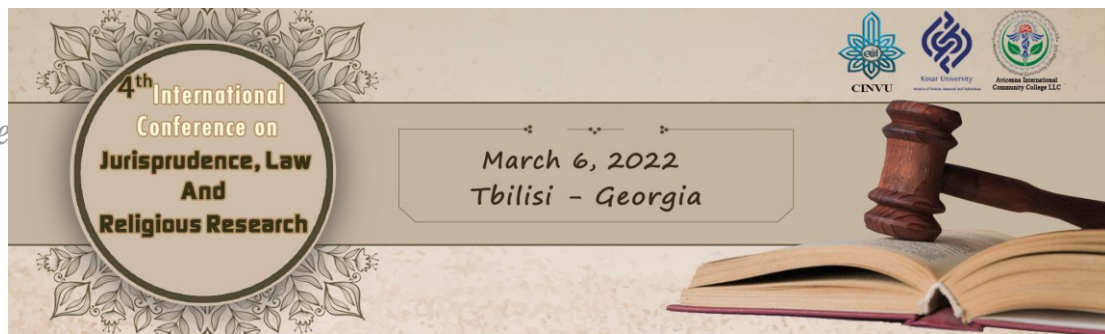
یکی از مهمترین عناصر نظام های سیاسی را می توان مسئله مشارکت مردم در عرصه سیاسی و مدیریت امور جامعه دانست. آنچه که در دنیای امروز مورد پذیرش بسیاری از جوامع قرار گرفته است مراجعه به نظر و آرای عمومی به عنوان مکانیزمی است که در عین روش بودن، خود نوعی ارزش و فضیلت محسوب می گردد و اهمیت این موضوع تا حدی است که گستره آن از تعیین نوع حکومت، تا انتخاب مقامات و قوانین یک کشور را شامل می شود و در هم در جوامع لائیک و هم جوامع ایدئولوژیک به عنوان امری مطلوب پذیرفته شده است (شاکری زواردهی و رجائی ریزی، ۱۳۹۷). لذا در هر نظام سیاسی نوع برداشت از جایگاه مردم، از مؤلفه های مهم و تعیین کننده در سبک رفتار و مناسبت های سیاسی و اجتماعی آن نظام محسوب می شود (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰).

اما با توجه به اینکه انقلاب اسلامی، انقلابی الهی و برخاسته از بطن جامعه بوده است مشارکت اهمیت مضاعفی می یابد. حضور و مشارکتی که از همان ابتدای انقلاب اسلامی به صورت گسترده وجود داشته و اینگونه در گزارشات فوکو منعکس شده است: «نفی رژیم در ایران پدیده ای است عظیم و اجتماعی. اما نه به این معنی که سردرگم و عاطفی باشد یا به خود چندان آگاهی نداشته باشد ... در نظام سیاسی، این جنبش نه نظیری دارد و نه جلوه و تظاهری ... پزشک تهرانی و ملای شهرستانی، کارگر نفت و کارمند پست و دانشجوی چادری همه یک اعتراض و یک خواست دارند. این خواست چیزی هست که مایه تشویش خاطر است، همیشه صحبت از یک چیز است، یک واحد و بسیار مشخص: شاه باید برود» (فوکو، ۱۳۸۹).

با توجه به الهی - مردمی بودن انقلاب اسلامی، مشارکت مردم در منابع اسلامی را می توان در موارد زیر جستجو نمود:

- **نص قرآنی:** بر اساس آیات قرآن کریم مباحثی همچون تعامل و همکاری انسان ها در حل مسائل و مشکلات، پذیرش مسئولیت عملکرد خود و همچنین نظارت بر اعمال و اقدامات حکام در اجرای عدالت همواره مورد تأکید می باشد.
- **سیره نبوی:** در سیره پیامبر اکرم (ص) مشارکت، تعامل و مشورت انسان ها در فعالیت های جامعه و حل و فصل مسائل همراه مورد تأکید ایشان بوده است.
- **وجوب عقلی<sup>۱</sup>:** به دو دلیل مسئله مشارکت مردم در نظام سیاسی اسلامی، واجب عقلی شمرده می شود: الف) بر اساس نظام اندیشه اسلامی، با توجه به قانونمندی نظام هستی و تکوین، قوانین تکوینی و تشریحی بر زندگی تمامی انسان ها مؤثر می باشد، لذا تکامل مادی و معنوی ایشان در گرو تحقق برخی آموزه های اسلامی مانند

۱ رحمت اللهی و همکاران، ۱۳۹۴؛ به نقل از ابوالحسنی، همان: ۱۹۷-۱۸۹



مشورت در امور و مشارکت در تصمیم گیری ها می باشد؛ ب) جامعه متشکل از تمامی افراد بوده و به تبع آن حیات اجتماعی متعلق به همه آن هاست، لذا سرنوشت انسان ها به هم گره خورده و انسان ها در قبال یکدیگر مسئول و پاسخگو می باشند (رحمت اللهی و همکاران، ۱۳۹۴).

همچنین کلانتری و همکاران ایشان مبانی مشارکت در اسلام را در سه بخش آیات، روایات و مباحث فقهی و همچنین مباحث کلامی تقسیم بندی می نمایند:

### الف) مبانی مشارکت در قرآن

- همیاری و همفکری اجتماعی

- شورا

- امر به معروف و نهی از منکر

- اراده جمعی

- اطاعت جمعی

### ب) مبانی فقهی مشارکت

- بیعت

- النصیحه لائمہ المسلمین

- واجب کفایی

- اصل مقدمه واجب

- رضایت عمومی

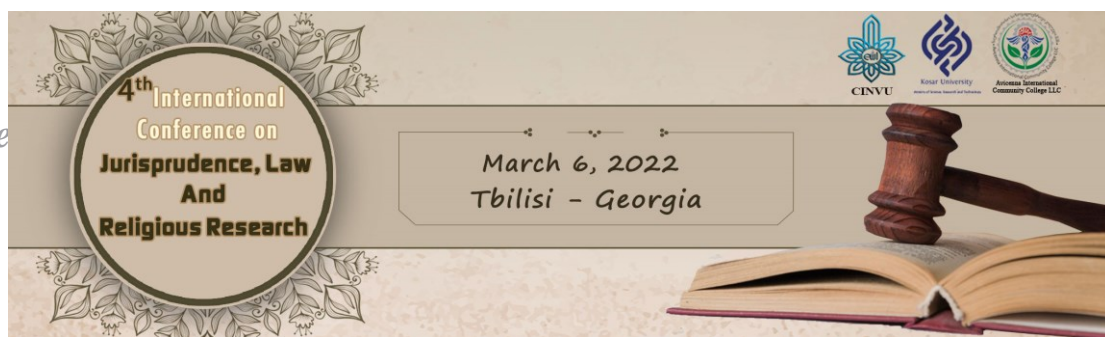
### ج) مبانی کلامی مشارکت

- با ارتباط برقرار کردن میان مسئله حسن و قبح عقلی (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰)

اما با توجه به بررسی مشارکت بر مبانی آموزه های اسلامی، دیدگاه اندیشمندان اسلامی در باب اصول و مبانی رأی اکثریت در نظام سیاسی اسلام را می توان در سه دسته تقسیم نمود:

**الف) اعتبار مطلق رأی اکثریت:** این دسته از اندیشمندان اسلامی بر این باورند که حقانیت اعمال قدرت و مشروعیت حکومت از رأی مردم است و در صورتی که مردم با حکومت مخالف باشند نه تنها آن حکومت مقبولیت ندارد که حق اعمال قدرت (مشروعیت) را نیز نمی توان برای آن متصور شد، این افراد معتقدند حتی با توجه به مشروعیت معصومین برای تشکیل حکومت در صورتی که مردم مایل به پذیرش حکومت ایشان نباشند، تشکیل حکومت از طرف معصومین مشروعیت نخواهد داشت، بر اساس دیدگاه طرفداران این تفکر، مبنا و معیار حکومت نظر اکثریت مردم می باشد.



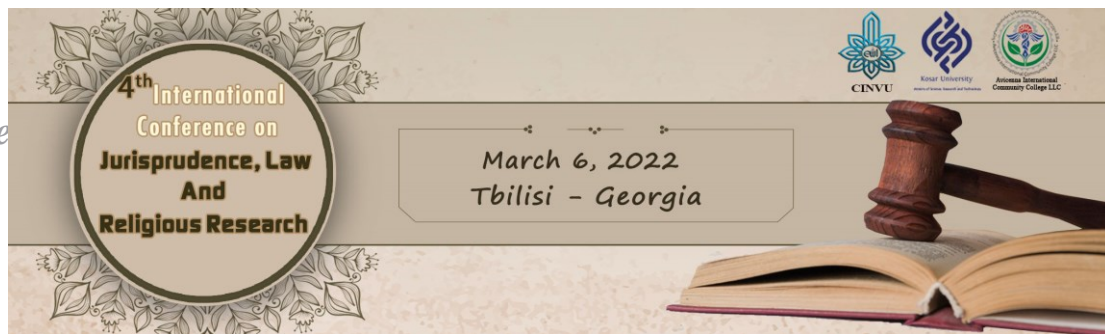


**ب) عدم اعتبار رأی اکثریت مطلقاً:** قائلین به این دیدگاه معتقدند رأی اکثریت را نه می توان عامل مشروعیت دانست و نه عامل مقبولیت، و در واقع جایگاهی برای رأی اکثریت متصور نیستند، بر اساس ایده صاحبان این تفکر، مشروعیت و مقبولیت هر دو از سمت شارع مقدس می باشد، لذا تنها حکومت، حاکم و قوانینی را مشروع می دانند که از طرف خداوند و جانشینان او باشند.

**ج) اعتبار مشروط رأی اکثریت:** بر اساس صاحبان این تفکر، حکومت اسلامی دارای دو عنصر مستقل و مجزای "مشروعیت الهی" و "مقبولیت مردمی" می باشد اگر این دو عنصر وجود داشته باشد بر فقیه جامع شرایط واجب است که حکومت اسلامی را تشکیل داده و زمینه اجرای قوانین الهی را مهیا سازد. منظور از مشروعیت در نظام سیاسی اسلام این است که حکومت و حاکم اسلامی از سوی خداوند متعال یا منصوبان او برای حکومت منصوب شده باشند (پیامبر اکرم (ص)، ائمه اثنی عشر (ع)، نائبان خاص و عام ائمه (علیهم السلام). مقبولیت مردمی نیز بعد از اینکه مشروعیت الهی منعقد شد، مورد توجه قرار می گیرد و از این منظر شرط تحقق حکومت اسلامی، پذیرش و خواست مردم می باشد و در صورت عدم پذیرش از سمت مردم، تحقق حکومت اسلامی شدنی نخواهد بود، هرچند که باید گفت عدم پذیرش مردم باعث از بین رفتن مشروعیت دینی نمی شود، چرا که مشروعیت یا همان حق اعمال قدرت، ربطی به مقبولیت ندارد و این مقبولیت صرفاً برای تحقق حکومت است نه منشأیی برای مشروعیت حکومت و حاکمان اسلامی (شاکری زواردهی، رجائی یزدی، ۱۳۹۷). برای توضیح بیشتر این بخش باید گفت بر اساس مبانی اندیشه سیاسی تشیع، مشروعیت یا همان حق اعمال قدرت، تنها از آن خداوند است و اراده مردم در این زمینه مطرح نقشی ندارد، بلکه خواست و پذیرش آن ها در استقرار حکومت مؤثر است. به اعتقاد شیعه، حکومت حضرت علی (ع) در زمان حیات پیامبر اسلام (ص) تعیین شد که در واقع یک نصب الهی بود و بر این اساس مشروعیت حکومت ایشان بر بیعت و خواست مردم متوقف نمی شود بلکه قیام آن حضرت برای انجام وظایف حکومت زمانی امکان پذیر شد که با خواست مردم همراه شده و مردم با ایشان بیعت نمودند (مصباح یزدی-الف، ۱۳۸۸) پس می توان چنین گفت که از نظر اسلام لازمه اینکه حاکم دارای توان اجرایی لازم برای استقرار و اجرای احکام الهی باشد پذیرش مردمی است، در واقع ملاک و روح مشروعیت اذن الهی است و رأی مردم به مثابه قالب عمل می کند، پس مشروعیت فقط از جانب خداوند متعال می باشد و در عین حال، پذیرش و مقبولیت مردمی لازمه تحقق حکومت می باشد (مصباح یزدی-ب، ۱۳۸۸).

اما در کل، نسبت به مشارکت مردم در نظام های سیاسی، سه دیدگاه قابل احصاء می باشد:

۱. عدم نقش مردم در تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی
۲. محول نمودن حد و اندازه نقش مردم به صلاحدید نخبگان



۳. نقش اساسی مردم در تعیین خطی و مشی های کلان سیاسی و اجتماعی (دارای نقش های ایجاد، ابقایی و اصلاحی) (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰).

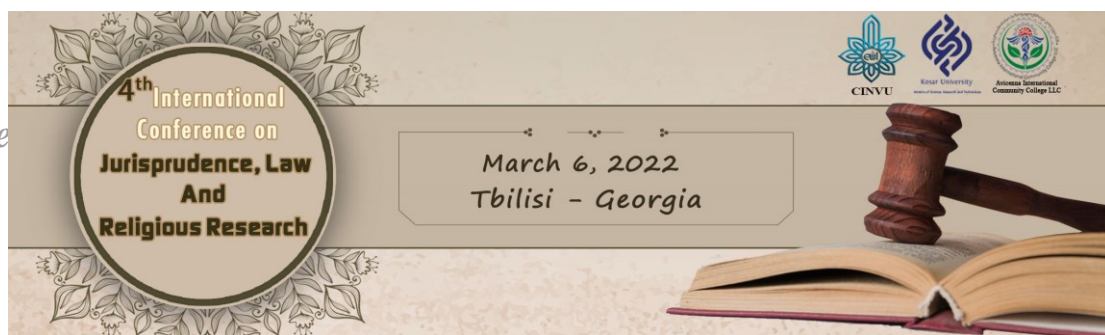
در جمع بندی مباحثی که پیرامون دیدگاه های مختلف در مورد نقش مردم در نظام اسلامی گفته لازم است نکاتی مدنظر قرار گیرد:

- در نظام سیاسی اسلام؛ خدا و مردم در مقابل هم نیستند و خدا محوری به معنای کنار گذاشتن انسان نیست چرا که موضوع همه احکام الهی سعادت و تکامل انسان هاست؛
- در این نظام، علاوه بر اینکه جهت گیری کلی، مصالح و سعادت انسان هاست، مردم دارای دو جایگاه مخصوص و تأثیرگذار می باشند: الف) مقبولیت و پذیرش حاکمیت الهی و تحقق حکومت اسلامی ب) مشارکت عملی و افزایش اقتدار نظام اسلامی؛
- لازمه اجرایی شدن اهداف نظام اسلامی، حضور، مشارکت و حرکت مردمی است (حاجی صادقی، ۱۳۸۶).

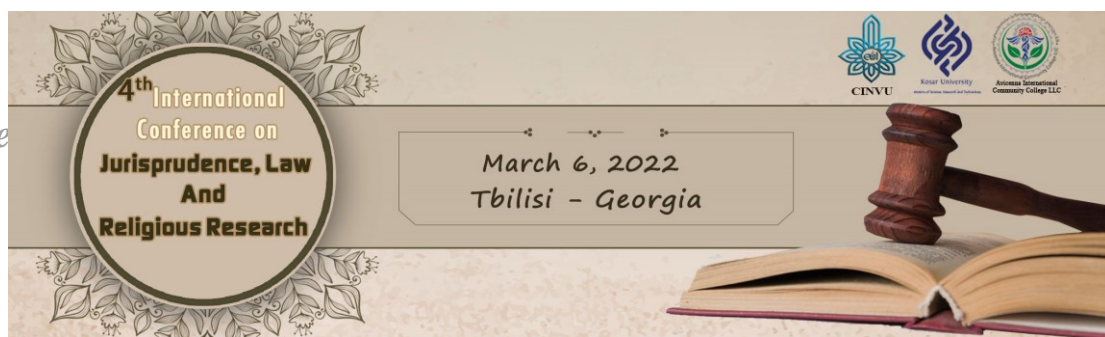
مسئله مهم و چالش برانگیز دیگری که در ذیل مسئله مشارکت سیاسی در نظام اسلام می توان به آن اشاره نمود بحث چگونگی مشارکت زنان در نظام سیاسی اسلامی می باشد. قبل از هرچیزی با بررسی تاریخچه مشارکت سیاسی زنان در غرب متوجه این نکته می شویم که این حق بسیار دیرتر از چیزی که تصور می شد از سوی دولت های مدعی آزادی و حقوق بشر به زنان اعطاء شد و مبارزات مختلف ضد تبعیض جنسیتی برای بحث برابری و کسب حق رأی، نمایانگر نگاه منفی جوامع و نظام های غربی نسبت به جایگاه زنان می باشد (علویان و همکاران، ۱۳۹۶). در حالیکه در تاریخ اسلام شاهد آن هستیم که با این مسئله به گونه دیگری برخورد شد، با گذشت از عصر جاهلیت و نوع برخوردی که با زنان - به عنوان موجوداتی در مرتبه دوم انسانیت - صورت می گرفت با مبعوث شدن پیامبر اسلام (ص) شاهد فعالیت های مختلف سیاسی زنان هستیم که بیانگر نگاه مترقی اسلام به حقوق زنان می باشد؛ زنان صدر اسلام در امورات و فعالیت های سیاسی همچون: مبارزه با استبداد جاهلیت، بیعت، هجرت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر مشارکت داشته اند فعالیت هایی که در تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوره بسیار مهم بوده است (شمسینی غیاثوند و نجفی، ۱۳۹۵). در مورد رأی زنان در نظام سیاسی اسلام نیز باید گفت که بر اساس مبانی سیاسی تشیع، در این رابطه فرقی میان زنان و مردان وجود نداشته و در واقع رأی زنان به اندازه مردان مؤثر می باشد (علویان و همکاران، ۱۳۹۶).

اما درباره نحوه حضور و فعالیت زنان در صدر اسلام موارد زیر قابل بررسی می باشد:

۱. حرکت های سیاسی زنان تازه مسلمان



- بیعت با زنان مسلمان
  - بیعت و انتخاب
  - همکاری در بنای پایگاه فعالیت سیاسی
  - شرکت در جنگ ها
  - ۲. حرکت های سیاسی حضرت زهرا (س)
  - گریه سیاسی
  - ۳. حرکت های سیاسی همسران پیامبر (ص)
  - ۴. حرکت های سیاسی زنان صحابی
  - ۵. حرکت های سیاسی حضرت زینب (س) و بانوان کربلا
  - ۶. حرکت های منفی سیاسی زنان (غروی نائینی، ۱۳۸۸).
- البته باید این نکته را به خاطر داشت که حرکت های سیاسی حضرت زهرا (س) فراتر از گریه های سیاسی بوده و در مواردی همچون: دفاع از امیرالمؤمنین علی (ع) به عنوان امام زمان خود در زمان یورش دشمنان به خانه ایشان، حضور در مسجد بعد از بردن دست بسته حضرت علی (ع) برای گرفتن بیعت اجباری و دفاع جانانه از ایشان، رفتن به درب خانه انصار و دعوت ایشان به ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)، ایراد خطبه غرّای فدکیه در مسجد، گرفتن قباله فدک (به عنوان یکی از مهمترین پشتوانه های مالی تشیع در آن زمان) از خلیفه اول و ... نیز می تواند نمادهایی از حضور مؤثر حضرت زهرا (س) در عرصه های سیاسی آن دوره باشد. در مجموع باید گفت از نظر تشیع بر اساس آموزه های قرآنی و همچنین سیره معصومین (ع) مشارکت سیاسی زنان در ادوار مختلف امری پذیرفته شده است، اما در مورد مصادیق مشارکت سیاسی ایشان و سطوح این مشارکت، متناسب با اقتصانات فرهنگی و اجتماعی هر دوره ای، تغییراتی وجود دارد (جوانمرد، ۱۳۸۷). در حال حاضر نیز در دوره انقلاب اسلامی و تحقق یافتن فقه سیاسی تشیع و همچنین با توجه به اقتصانات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حضور و تأثیرگذاری زنان در عرصه های مختلف سیاسی (اعم از انتخاب، تصمیم گیری های کلان، مسئولیت در سطوح مختلف و ...) پررنگ تر از گذشته شده است و در صورتی که شرایط این حضور مبتنی بر اندیشه و فقه سیاسی تشیع لحاظ گردد مطمئناً تراحمی با سایر وظایف ایشان نداشته و باعث پویایی و پیشرفت بیش از پیش جامعه اسلامی خواهد شد.
- آخرین بحثی که در اینجا به آن می پردازیم بحث مبانی و سازوکارهای فقهی مشارکت سیاسی می باشد، در واقع با توجه به اسلامی بودن انقلاب و نظام مبتنی بر آن، این مباحث در واقع اصول و مبانی ایدئولوژیک

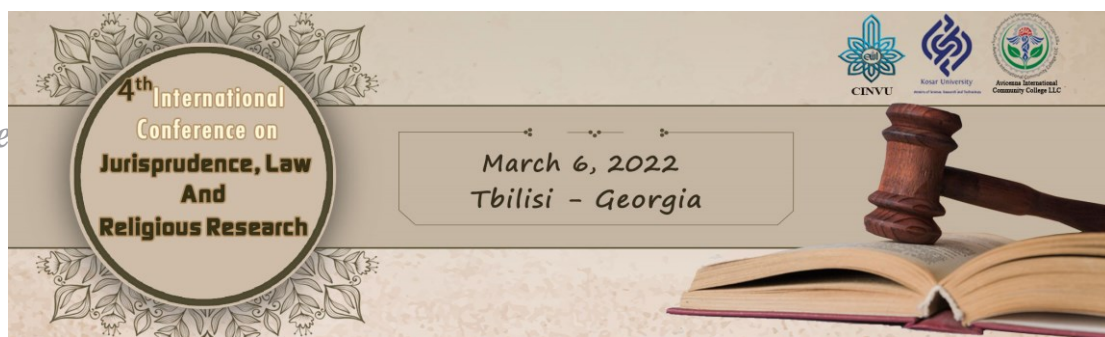


- مفاهیم سیاسی از جمله مشارکت محسوب می گردد و تمامی مفاهیم را باید در این چارچوب تبیین نمود. بر این اساس اصول و سازوکارهای فقهی مشارکت سیاسی را می توان در موارد زیر جستجو نمود:
- **اصل خلافت عامه انسان:** از دیدگاه قرآن کریم انسان خلیفه الهی بر روی زمین می باشد (انّی جاعل فی الارض خلیفه) و عهده دار استقرار حکومت الهی بوده و وارث نهائی زمین است.<sup>۲</sup>
  - **اصل فقهی حفظ نظام اسلامی:** حفظ نظام اسلامی از اصول مهم فقهی و فکری امامین انقلاب اسلامی می باشد، بر اساس دیدگاه های ایشان معروفی بالاتر از ایجاد و حفظ نظام اسلامی وجود نداشته و تضعیف آن نیز منکر می باشد و در واقع حفظ نظام اسلامی را از واجب ترین واجبات دانسته اند.<sup>۳</sup> بر این همین اساس با بررسی فقهی می توان فهمید که این اصل دارای گستردگی و شمولیت زیادی بوده و در تمامی ابواب فقهی می توان آن را پیگیری کرد. البته با پیش فرض اصل فقهی لزوم تشکیل و ضرورت دفاع از نظام سیاسی برخی قواعد فقهی - عقلی دیگر مانند "اصل وجوب مقدمه واجب" و "نقش مشارکت سیاسی و جهاد در عملی شدن اصل حفظ نظام" قابل طرح و بررسی می باشد.
  - **اصل شورا:** شورا و مشورت یکی از مفاهیم اساسی فقه سیاسی تشیع می باشد و مهمترین اسناد قرآنی آن را می توان در آیه ۱۵۹ آل عمران (و شاورهم فی الامر) و آیه ۳۸ شوری (و امرهم شوری بینهم) مشاهده نمود. بر اساس دیدگاه عمید زنجانی، یکی از خصلت های برجسته جامعه ایمانی بر اساس آموزه های قرآنی حرکت و اقدام نمودن بر اساس مشورت و تصمیم گیری مشترک می باشد، به گونه ای که پیامبر اکرم (ص) را در امور و فعالیت های اجتماعی دعوت به مشورت می نماید تا ضمن احترام گذاشتن به فکر دیگران، همه مردم در تصمیم گیری های اجتماعی مشارکت نمایند و مسئولیت پذیری بیشتری از خود نشان دهند.<sup>۴</sup>
  - **سازوکارهای فقهی سیاسی در بعد نظارت در حکومت دینی:** یکی از بهترین سازوکارهای پیش بینی شده در آموزه های سیاسی تشیع (در جهت افزایش کمی و کیفی مشارکت) بحث نظارت می باشد که در واقع می توان از آن به عنوان مکانیسمی مترقی و پیش برنده یاد نمود که در قالب نظارت مردم بر یکدیگر (امر به معروف و نهی از منکر) و همچنین نظارت مردم بر حکومت و حاکمان (نصح الائمة) مطرح می گردد.
  - **اصل بیعت:** این اصل از شیوه های رایج در صدر اسلام بوده و اصطلاحاً به معنای "اعلام وفاداری" می باشد که دارای مبنای قرآنی (آیه ۱۰ سوره فتح) و روایی است. در واقع، بیعت یکی از اصلی ترین اصول اندیشه سیاسی اسلام بوده و تلاش برای بیعت گرفتن یا شکستن آن، بخش مهمی از تاریخ سیاسی اسلام بوده است.

۲ عمید زنجانی، ۱۳۶۶

۳ بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در تاریخ های ۱۳۹۴/۰۱/۰۱ و ۱۳۷۹/۰۵/۰۵

۴ عمید زنجانی، ۱۳۶۶



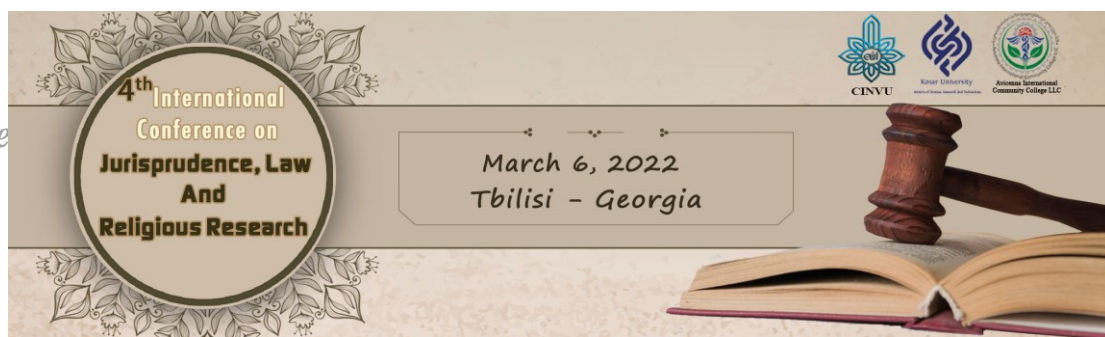
■ **اصل نفی استبداد و خودکامگی:** یکی از راه‌هایی حضور مؤثر در ایفای نقش اجتماعی و سیاسی که دارای مبانی محکم دینی می‌باشد مسئله نفی استبداد و تمرکز فساد آور قدرت در دست نااهلان می‌باشد. تأکید قرآن کریم بر عبادت و پذیرش ولایت الهی و اجتناب از طاغوت و ولایت آن (و لقد بعثنا فی کل امت رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت - نحل: ۳۶) در واقع نشان دهنده دوری از هرگونه طاغوت در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد که لازمه این امر، مشارکت فعال مردم در صحنه‌های مختلف مخصوصاً عرصه‌های سیاسی است (هزاوئی و حسینی، ۱۳۹۵).

به عنوان آخرین نکته، به صورت گذرا به حکم فقهی مشارکت انتخاباتی در نظام سیاسی تشیع می‌پردازیم، بر این اساس موارد زیر را می‌توان به عنوان ادله و جوب مشارکت در انتخابات مدنظر قرار داد:

۱. **حفظ نظام و حفظ اقتدار آن:** از مهمترین حقوق نظام اسلامی حضور مردم در صحنه‌هایی است که مصالح جامعه اسلامی اقتضای آن را داشته باشد، بر این اساس از حقوق حاکم اسلامی این است که هر زمانی مردم را دعوت به حضور نمود آن‌ها این دعوت را اجابت کنند.<sup>۵</sup> پس با توجه به تأثیر شرکت در انتخابات در جهت حفظ و تقویت نظام اسلامی، این حضور و مشارکت امری واجب می‌باشد.

۲. **مقام خلافت و مسئولیت امت:** یکی از حقایق مسلم دین اسلام، خلافت انسان بر روی زمین می‌باشد که این استخلاف یک عنوان تشریفاتی نبوده و امری حقیقی است. لذا با توجه به اینکه خداوند مالک همه آن چیزی است که روی زمین قرار دارد انسان هم بر همه این‌ها جایگاه جانشینی دارد. در مجموع نظریه خلافت انسان مبنای مهمی برای مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی است و شرکت در انتخابات نیز یکی از جلوه‌های مهم این مشارکت است لذا نتیجه این نگرش و جوب شرکت در انتخابات می‌شود.

۳. **اختیارات حاکم اسلامی در منطقه الفراغ:** در صورتی که فردی ادله و جوبی که مطرح شد را نپذیرد و نسبت به درستی این ادله تردید کند، با توجه به اینکه این مسئله و امثالهم در حوزه منطقه الفراغ تشریحی است، می‌تواند به موجب حکمی که از سوی ولی امر صادر می‌شود واجب شود. لازم است این نکته اضافه گردد که اهمیت منطقه الفراغ به از این جهت است که برای نظامی که می‌خواهد برای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها نقش راهبری داشته باشد با تکیه بر یک سری عناصر ثابت نمی‌توان تعاملات اجتماعی را تنظیم کرد لذا باید عناصر انعطاف در تغییر در مواردی که لازم است در آن تعبیه شود تا توانایی پاسخگویی به نیازهای روز و مقتضیات زمانه را داشته باشد بنابراین وجود حوزه منطقه الفراغ، جلوه‌ای از ترقی فقه اسلامی می‌باشد (بیرشک و همکاران، ۱۳۹۸).



## نظارت در نظام سیاسی اسلامی

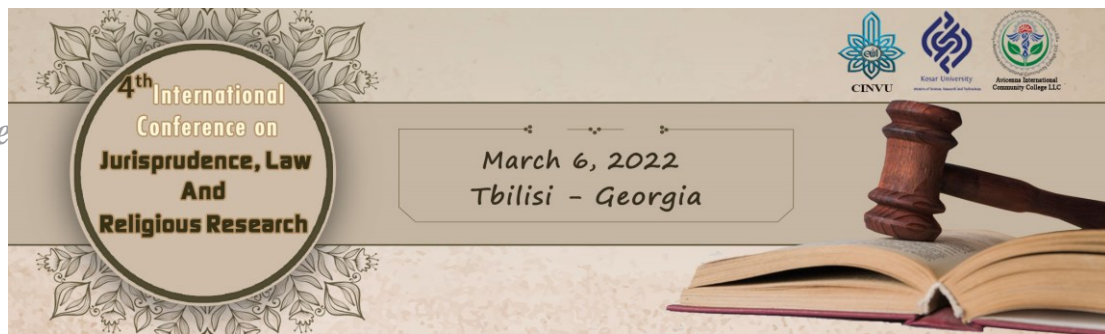
در ادامه مباحثی که پیرامون مسئله مهم "مشارکت" ارائه گردید به بررسی مسئله "نظارت" در جامعه اسلامی خواهیم پرداخت. همانگونه که دیدیم این مسئله دارای جایگاه ویژه ای در نظام سیاسی بوده و دارای ارتباط زیادی با مسئله مشارکت می باشد.

بحث نظارت و کنترل قدرت از مسائل جدی چالش برانگیز در حقوق اساسی است (حبیب نژاد و عامری، ۱۳۹۳) و می توان آن را چنین تعریف نمود: «نظارت عبارت از آن است که شخص، مقام یا سازمانی، اعمال شخص، مقام یا سازمانی را قانوناً زیر نظر قرار دهد و به درستی یا نادرستی آن اعمال پی ببرد» (هاشمی، ۱۳۸۲). بر این اساس نظارت صحیح و عالمانه از یک سو می تواند ضامن اجرای قوانین یک جامعه باشد و از سوی دیگر می تواند عاملی مهم برای شناسایی نقاط ضعف و قوت این قوانین و تلاش برای رفع نواقص آن ها باشد (شاه علی، ۱۳۹۸). اما با توجه به اینکه اساس این نظام مبتنی بر آموزه های اسلامی و فقه سیاسی شیعه است، مبنای هرگونه نظارت بر حاکمان و مردم بر اساس احکام و چارچوب اسلامی است، لذا هرگونه نظارت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... باید قبل از هرچیزی در جهت تحقق توحید و شریعت اسلامی و تربیت مؤمنانه مردم باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹).

بر اساس اندیشه های سیاسی تشیع، مبنای نظارت بر قدرت را می توان در این موارد جستجو نمود: ۱. امر به معروف و نهی از منکر ۲. نصیحت زمامداران یا ائمه مسلمین ۳. امانت بودن مناصب عمومی ۴. حق تعیین سرنوشت (حبیب نژاد و عامری، ۱۳۹۳). همچنین باید گفت در نظام سیاسی اسلامی نظارت دارای اهدافی می باشد که مهمترین آن ها عبارت است از: تحقق توحید و اجرای شریعت، احیای حق و عدالت خواهی و قیام علیه باطل و ظلم، تحقق معروف و جلوگیری از منکرات، اصلاح گری و فساد ستیزی، اهتمام به امور مسلمین و حفظ مصالح عمومی، همدردی، همبستگی، تعاون و مودت اجتماعی، تحقق کارویژه های حکومت و افزایش کارآمدی آن، مهار و کنترل قدرت سیاسی، افزایش مشارکت سیاسی شهروندان، انتقادگری و انتقادپذیری، تحقق و ارتقای قانون مداری و در نهایت، مسئولیت پذیر و پاسخگو کردن نظام سیاسی (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹).

در کنار مباحثی که بیان شد، باید گفت که دکترین نظارت و بازرسی در جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه های رهبر معظم انقلاب) بر پنج اصل و قاعده بنا شده است:

- شریعت محوری
- حاکمیت قانون
- محوریت نظارت حکومت بر امور جامعه



• دانش محوری

• برنامه محوری (توحیدی و ملائی، ۱۳۹۸).

برای تقسیم بندی نظارت می توان به مؤلفه هایی چون معیار زمان، شمول عمل و امکان نظارت توجه نمود اما اگر بخواهیم نظارت را بر اساس اختیارات ناظر طبقه بندی کنیم می توان آن را در چهار عنوان «استطلاعی»، «استرجاعی»، «استصوابی» و «انضباطی» تقسیم بندی نمود (آینه نگینی، ۱۳۹۵).

۱. نظارت استطلاعی (اطلاعی): در این نظارت هدف آگاهی و اطلاع ناظر می باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲). در این نوع نظارت، هر چند اعمال حقوقی با آگاهی و اطلاع ناظر انجام می شود ولی ناظر در مقام تصویب یا رد این اعمال نقش خاصی ندارد و ناظر صرفاً می تواند تخلفات و موارد انحراف را برای تصمیم گیری لازم به اطلاع مقام ذی صلاح برساند (هاشمی، ۱۳۸۲).

۲. نظارت استرجاعی: در این مورد از نظارت، موارد لازم برای رسیدگی به مراجع دارای صلاحیت مانند مراجع قضایی ارجاع داده می شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۲).

۳. نظارت استصوابی: نظارتی است که در آن اعمال حقوقی زیر نظر مستقیم ناظر و با صلاحدید و تصویب آن انجام می شود و بر اساس این نوع نظارت، اعمال بدون تصویب و موافقت ناظر فاقد اعتبار می باشد (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۶). در حقیقت، می توان گفت نظارت استصوابی، نظارتی درون گرا می باشد که بر اساس آن نظارت به خود آن نهاد سپرده شده و نهاد مزبور در درون خود نظارت را انجام می دهد و برای تا تصمیم گیری لازم به جای دیگری ارجاع داده نمی شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۲).

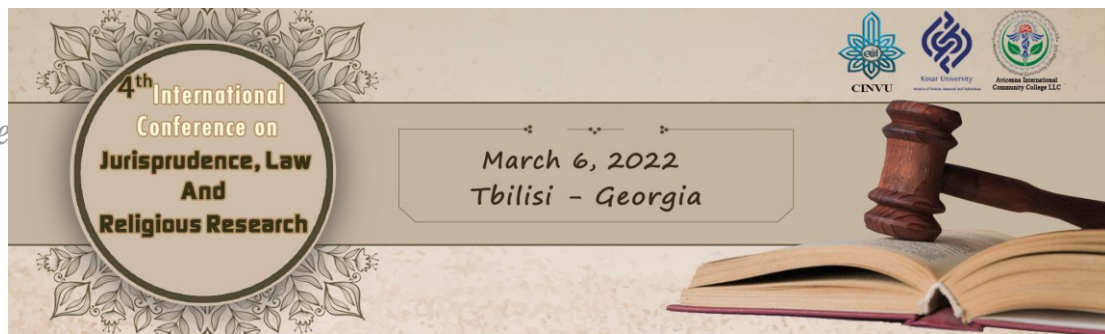
۴. نظارت انضباطی: در این نوع نظارت نیز همانند نظارت استصوابی، ناظر دارای حق اعمال نظر می باشد با این تفاوت که هر گونه اعمال نظری باید مبتنی و مستند بر قوانین و مقررات باشد و در آن صلاحدید و مصلحت اندیشی ناظر تأثیری بر روی نظارت نداشته باشد (هاشمی، ۱۳۸۲).

حال با توجه به تعریفی که از اقسام نظارت بر اساس اختیارات ناظر صورت گرفت، شیوه های نظارت در جمهوری اسلامی ایران را می توان به صورت جدول زیر احصاء نمود:

جدول شماره ۲: شیوه های نظارت و روش اعمال آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

(شاه، علی، ۱۳۹۸)

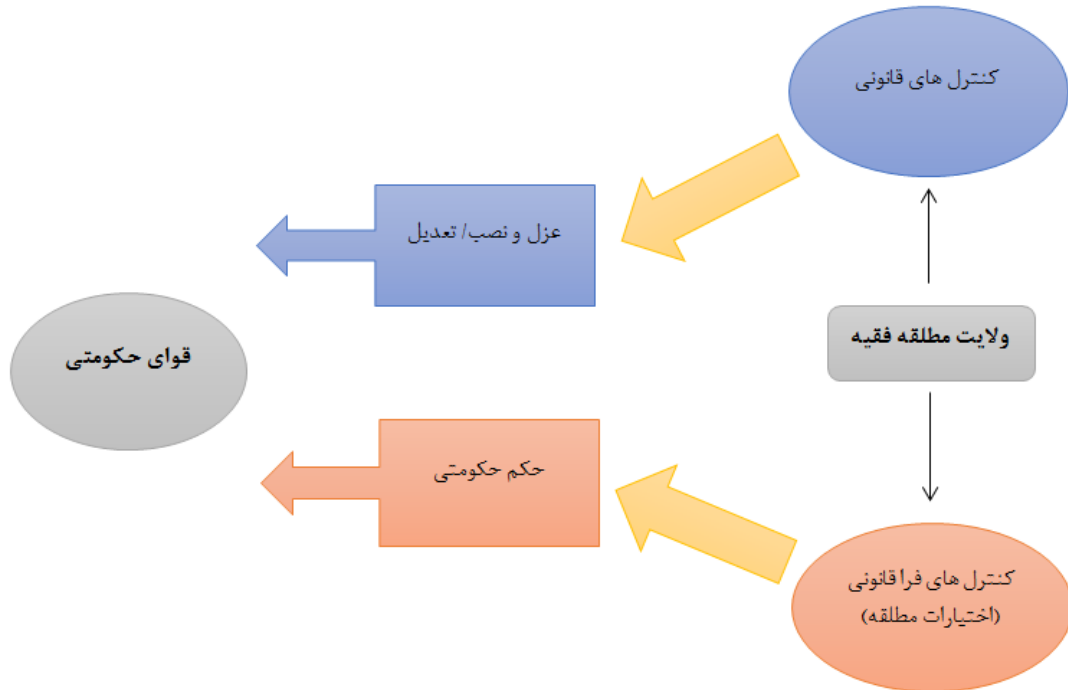
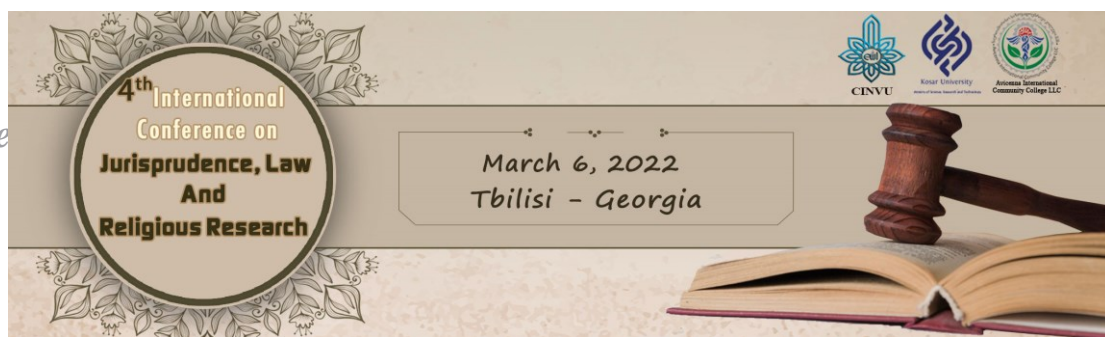
از طریق امر به معروف و نهی از منکر (نظارت استطلاعی)	مردم	مردم بر	نظارت
از طریق رئیس جمهور، نمایندگان، شوراها و ... (استطلاعی)	دولت		



از طریق رسانه ها، احزاب، اجتماعات و راهپیمایی ها (استطلاعی)			
نظارت عمومی (استطلاعی)	رهبری		
نظارت خاص از طریق مجلس خبرگان رهبری (استصوابی)			
قوای سه گانه: نظارت بر هر سه قوه از طریق سازوکارهای مربوطه (استصوابی)	رهبری بر		
نیروهای مسلح (استصوابی)			
حسن اجرای سیاست های کلی نظام (استصوابی)			
نهادهای خاص حکومتی مانند: شورای عالی امنیت، سازمان صدا و سیما، مجمع تشخیص مصلحت نظام و امثالهم (استصوابی)			
مجلس شورای اسلامی (انضباطی، استصوابی، استرجاعی، استطلاعی)	قوه مقننه	قوای سه گانه بر همدیگر	
شورای نگهبان (استصوابی)	قوه قضائیه		
سازمان بازرسی کل کشور (استرجاعی)			
دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری (نظارت انضباطی)	قوه مجریه		
نظارت بر تمام بخش های زیرمجموعه خود به صورت (نظارت درونی و انضباطی)			

اما از مسائل چالش برانگیزی که می توان محل بحث باشد ابزارهای ولی فقیه جهت کنترل و نظارت بر قوای حکومتی است، که می توان آن را به شکل زیر ترسیم نمود:



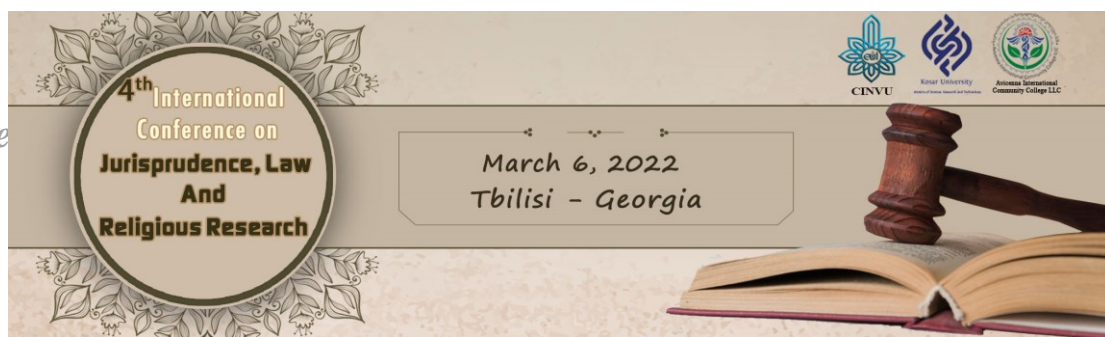


## نمودار شماره ۲: ابزارهای ولی فقیه جهت کنترل و نظارت بر قوای حکومتی

(علویان و حسینی، ۱۳۹۵)

ناگفته نماند در بحث تفکیک قوا و مسئله نظارت در جمهوری اسلامی باید این نکته را مدنظر قرار داد که تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران مسئله ای "نسبی" است. به این معنی که در این نوع تفکیک قوا، امکان نفوذ و اقتدار بر یکدیگر وجود دارد و نمونه بارز آن، حق نظارت قوای مقننه و قضائیه بر قوه مجریه می باشد. لذا بر این اساس باید گفت در نظام تفکیک قوا حق نظارت قوا بر یکدیگر منتفی نیست. و اگر اصل ۵۷ قانون اساسی اعلام می کند که "این قوا مستقل از یکدیگرند"، به معنی استقلال و انحصار در انجام وظیفه است و نه به مفهوم نفی نظارت بر یکدیگر (میرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۵).

همانطور که دیدیم شیوه های کلی نظارت مردمی بر دولت اسلامی شامل انتقاد مردم از دولت اسلامی و همچنین امر به معروف و نهی از منکر می شود (رحیمی، ۱۳۹۴). به بیانی دقیق تر مردم می توانند با ابزارهایی چون: نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر)، مطبوعات و رسانه های جمعی، احزاب و تشکل های سیاسی و همچنین از راه تجمع و راهپیمایی در بحث نظارت مشارکت جدی و مؤثر داشته باشند (پروین و همکاران، ۱۳۹۸). هانگونه که مشخص است در حکومت های مردمی مخصوصاً حکومت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر از جایگاه ویژه ای در بحث نظارت برخوردار است: «فریضه امر به معروف و نهی از منکر در میان فرایض و تکالیف الهی از ویژگی خاص و حتی منحصر به فرد برخوردار است. اهمیت این



ویژگی‌ها در جامعه‌ای که با حاکمیت اسلام و در چارچوب قوانین شرع اداره می‌شود، مضاعف و دوچندان می‌شود؛ زیرا حکومت اسلامی خود وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را برعهده دارد» (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰).

اما در بحث اجرای سازمانی امر به معروف و نهی از منکر در کشورهای اسلامی و نحوه استفاده آن‌ها از دو عنصر مردم و یا حکومت، می‌توان این کشورها را به سه دسته تقسیم کرد:

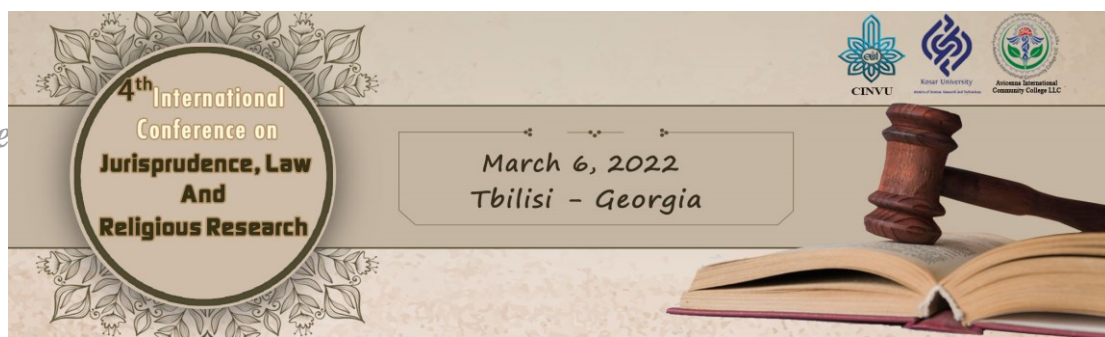
۱. کشورهایی که بیشتر به جنبه حکومتی امر به معروف و نهی از منکر توجه کرده‌اند؛ مانند عربستان سعودی، کویت و سودان

۲. کشورهایی که تمرکز بیشتری بر جنبه مردمی امر به معروف و نهی از منکر داشته‌اند؛ مانند مصر، پاکستان، بحرین، اردن و بنگلادش

۳. کشورهایی که نه به جنبه حکومتی توجه کرده‌اند و نه به جنبه مردمی، در این کشورها بحث امر به معروف و نهی از منکر بیشتر به صورت موردی می‌باشد؛ مانند قطر، لیبی و سوریه (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰).

در نهایت علاوه بر انواع نظارت‌های حکومتی و مردمی، از نوع دیگری از نظارت نیز می‌توان سخن گفت که اصطلاحاً بدان "خودکنترلی" گفته می‌شود، لذا در انتهای مباحث مربوط به بحث نظارت، انواع خودکنترلی و نظارت مبتنی بر منابع اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است:



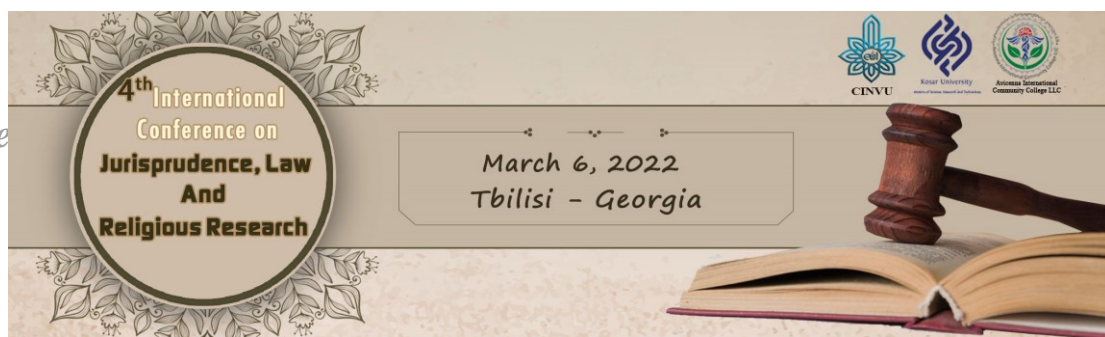


### نمودار شماره ۳: انواع خود کنترلی در نظارت اسلامی

(سجادی، ۱۳۸۵)

### جمع بندی و نتیجه گیری

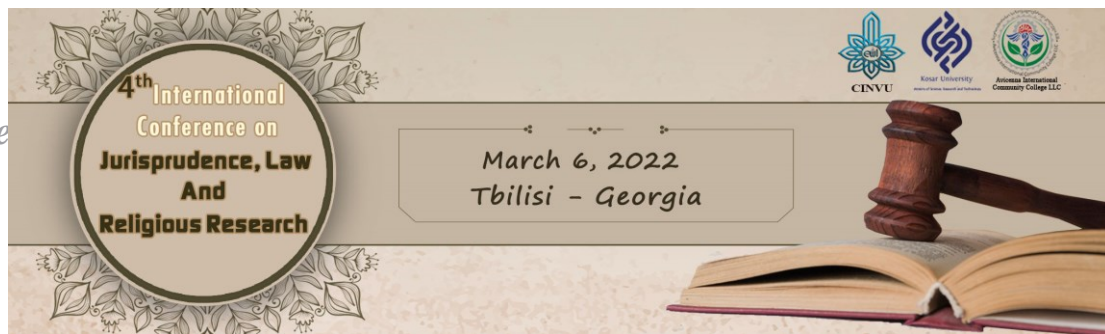
با پیروزی انقلاب اسلامی، مهمترین مسئله موجود تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر اندیشه های سیاسی تشیع بود چرا که انقلاب اسلامی با ادعای بازگرداندن دین به عرصه تعاملات اجتماعی جان گرفته و به پیروزی رسید و طبیعتاً لازمه تحقق و عملیاتی شدن شعارهای برخاسته از مبانی اسلامی، تحقق نظامی مبتنی بر همین اصول و مبانی بود. اما از میان دیدگاه های مختلفی که در بحث حکومت اسلامی وجود داشت، نظریه ولایت فقیه حضرت امام خمینی (ره) مورد پذیرش قرار گرفت، هرچند این نظریه بلحاظ تاریخی و بلحاظ مبانی عقلی و نقلی دارای سابقه طولانی در اندیشه سیاسی تشیع بود ولی تجلی و تحول کمی و کیفی آن در عصر انقلاب



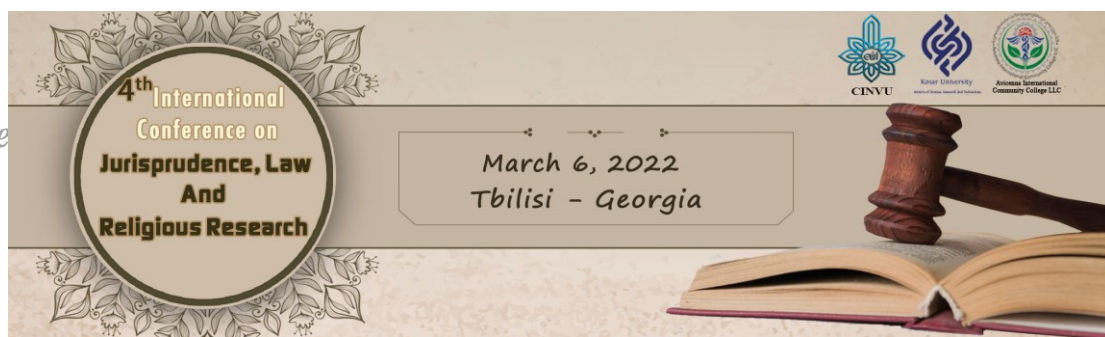
اسلامی و بازعامت حضرت امام (ره) به بار نشست. حکومتی که مهمترین کارکرد آن دعوت مردم به توحید و قیام برای خدا و برپایی عدالت در جامعه بوده و به صورت تمام قد در مقابل نظام های باطل ایستاده است. نظام جمهوری اسلامی که مبتنی بر نظریه ولایت مطلقه فقیه می باشد، در استمرار نظام سیاسی تشیع که همان امامت است تعریف می شود در حالی که مبنای مشروعیت در نظام سیاسی اهل سنت، بر مبنای خلافت تعیین شده در برهه های مختلف، متفاوت از دیدگاه شیعه بوده است، گاهی این مشروعیت مبنای الهی داشته، گاهی نیز مبتنی بر قرارداد اجتماعی بوده و در پاره ای از موارد نیز بر اساس قهر و غلبه بوده است. اما در نظام سیاسی تشیع که مبتنی بر نظریه امامت می باشد، حاکمیت از آن خداوند متعال و منصوبان او می باشد، پیامبر اکرم (ص) و ائمه (س) به عنوان کسانی که از سوی خداوند برای هدایت بشر انتخاب شده اند ولی و امام جامعه بودند و در زمان غیبت صغری این نیابت از طریق امام به نواب خاص ایشان محول شد و در دوره غیبت کبری نیز با استناد به دلایل عقلی و نقلی این نیابت به صورت عام به فقهای جامع الشرایط محول شده است که اصطلاحاً از آن به عنوان نصب عام یاد می شود. بر اساس این نظریه ما با دو مفهوم مجزای "مشروعیت الهی" و "مقبولیت مردمی" مواجه هستیم که مبتنی بر مفهوم اول، مشروعیت و حق اعمال قدرت کاملاً الهی بوده و بر اساس مفهوم دوم، نقش مردم در پذیرش و استمرار نظام اسلامی می باشد، لذا زمانی یک نظام سیاسی مشروع می تواند تحقق یابد که دارای مقبولیت و پذیرش مردمی باشد.

اما در عصر غیبت برای ولی فقیه که به نیابت از امام زمان (عج) و وظیفه هدایت و رهبری جامعه اسلامی را بر عهده دارد شرایطی نیاز است که این شرایط عبارتند از: فقاقت، عدالت، مدیر و مدبر بودن، آگاهی به مسائل و نیازهای زمانه، داشتن قدرت فهم و تحلیل سیاسی، شجاعت، دشمن شناسی، مردم شناسی و ... در نظام اسلامی مشارکت و نقش مردم در حکومت جایگاه خاصی دارد و این مسئله دارای مبنای محکمی بوده و مبتنی بر نص قرآن، سیره پیامبر (ص) و ائمه (س) و وجوب عقلی قابل اثبات می باشد. در رابطه با نوع مشارکت مردم دیدگاه های مختلفی در اصل قضیه و حد و حدود آن مطرح شده است که به طور کلی در سه دسته اعتبار مطلق رأی اکثریت، عدم اعتبار رأی اکثریت مطلقاً و اعتبار مشروط رأی اکثریت تقسیم بندی می شود. بلحاظ مبنای فقهی نیز سازوکارهای فقهی مشارکت سیاسی را می توان در اصل خلافت عامه انسان، اصل حفظ نظام اسلامی، اصل شورا، سازوکارهای فقهی در بعد نظارت (اصل امر به معروف و نهی از منکر + اصل نصح الائمة)، اصل بیعت و اصل نفی استبداد جستجو نمود.

یکی دیگر از مباحث مهم در نظام اسلامی مسئله نظارت می باشد. این مسئله از یک سو، ضامن اجرای قوانین در جامعه بوده و از سوی دیگر، با شناسایی نقاط ضعف و قوت، نواقص موجود را برطرف می نماید. در نظام سیاسی اسلامی نظارت دارای اهدافی همچون: تحقق توحید، احیای حق و عدالت خواهی، تحقق معروف و

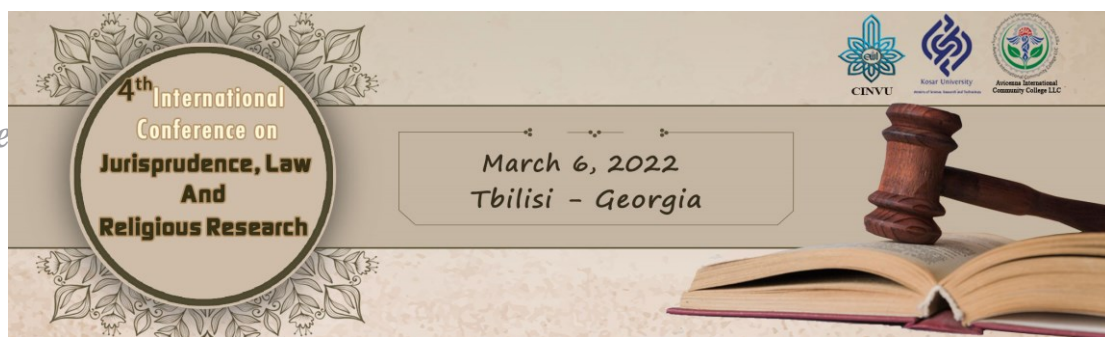


جلوگیری از منکرات، همدردی و مودت اجتماعی، افزایش کارآمدی حکومت، کنترل قدرت سیاسی، افزایش مشارکت سیاسی مردم، انتقادگری و انتقادپذیری و ... می باشد. اما مبتنی بر مبانی فقهی و اعتقادی شیعه در بحث نظارت، چهار نوع نظارت استطلاعی، استرجاعی، استصوابی و انضباطی قابل احصاء می باشد که شیوه های نظارت و روش اعمال آن در قانون اساسی و در ارتباط با مردم، رهبری و قوای سه گانه ارائه گردیده است. علاوه بر روش های گفته شده نظارت در منابع اسلامی، بحث خودکنترلی نیز مطرح شده است که این مسئله هم در بعد اعتقادات و ارزش های اسلامی و هم در بعد تمهیدات عملی قابل جستجو و بررسی می باشد. در پایان باید بگوییم هرچند فقه سیاسی تشیع بستر تحقق پیروزی انقلاب اسلامی بوده و در بحث نظام سازی و پاسخ به نیازهای مختلف نظام و جامعه اسلامی گام های مهمی را برداشته است ولی نباید این مسئله را فراموش کرد که در بحث استمرار و اقتدار این انقلاب و نظام مبتنی بر آن بیش از پیش نیازمند اجتهاد پویا و تفقه عمیق در منابع مختلف و اصیل تشیع هستیم. چیزی که روشن است این موضوع است که با گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب، حوزه ها و فقهای ما تاکنون آنچنان که شایسته رسالت و عظمت انقلاب کبیر اسلامی بوده در این مسیر گام برنداشته اند و لازم است بیش از پیش در زمینه پاسخگویی به نیازهای نظام و جامعه اسلامی و حتی ارائه ایده هایی برای جوامع دیگر، دغدغه و تلاش داشته باشند.

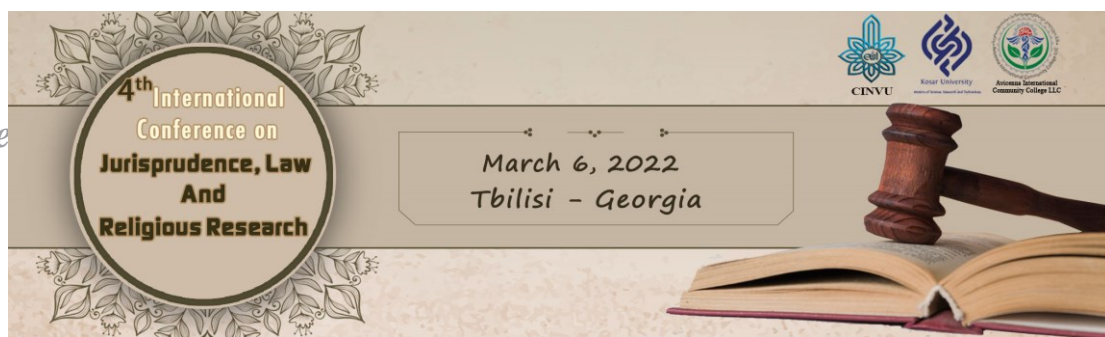


## منابع

۱. آینه نگینی، حسین، ۱۳۹۵، واکاوی کلیدواژگان چند معنا در قانون اساسی، مدخل نظارت (گزارش پژوهشی)، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان
۲. اخوان کاظمی، بهرام، ارزیابی و امکان سنجی نظام نظارتی فرادولتی امام خمینی (ره)، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۰، ص ۵۷-۷۸
۳. اخوان کاظمی، بهرام، اهداف و کارکردهای نظارت در نظام سیاسی، دوفصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱-۲۲
۴. ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه، ۱۳۸۹، روش‌های کاربردی تحقیق، تهران، انتشارات کیهان
۵. افروغ، عماد، ۱۳۸۶، انقلاب اسلامی و مبانی بازتولید آن، تهران، انتشارات سوره مهر
۶. بیرشک، حسین و همکاران، تأملی در حکم فقهی مشارکت انتخاباتی در نظام سیاسی اسلام، دوفصلنامه پژوهش، نامه میان رشته‌ای فقهی، سال هشتم، شماره اول (پیاپی ۱۵)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۴۳-۶۶
۷. پروین، خیرالله و همکاران، ابزارهای نظارت سیاسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر عدالت جغرافیایی در کشور، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۹، ص ۳۸۳-۴۰۳
۸. توحیدی، ارسطو و مصطفی ملاتی، دکتربین نظارت و بازرسی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان ولایت فقیه، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۸، ص ۳۰۳-۳۲۴
۹. حاجی صادقی، عبدالله، اقتدار مردمی در نظام سیاسی اسلام، فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۸۶، ص ۵-۲۶
۱۰. حبیب نژاد، سیداحمد و زهرا عامری، مبانی نظارت در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره ۶۵، بهار ۱۳۹۳، ص ۷-۳۲
۱۱. جوانمرد، طاهره، زن و مشارکت سیاسی در اسلام، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده (طهورا سابق)، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۵۰-۱۲۴
۱۲. خمینی، سید روح الله، بی تا، طلعه انقلاب اسلامی. تهران، انتشارات مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی
۱۳. خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۷، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۱۴. درخشه، جلال، تبارشناسی نظریه حکومت در اندیشه امام خمینی (ره)، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۰، ص ۲۰۶-۲۲۵



۱۵. ربانی گلپایگانی، علی، فقاہت و حکومت، فصلنامه قسبات، دوره دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶، ص ۱۱۴-۹۱
۱۶. رحمت اللہی، حسین و همکاران، جایگاه مشارکت در اندیشه سیاسی اسلام، فصلنامه پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، ص ۵۷۵-۶۰۰
۱۷. رحیمی، غلامرضا، بررسی تطبیقی حقوق دولت بر ملت در نظام سیاسی اسلام و نظام لیبرال دموکراسی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۱، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۸۹-۲۰۸
۱۸. زحمتکش، مهدی و علی جعفری، رابطه دین و سیاست در اسلام، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، ص ۷۵۷-۷۸۳
۱۹. سجادی، سیدعلی، خودکنترلی در نظام کنترل و نظارت اسلامی، فصلنامه اندیشه صادق، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۸۵، ص ۳-۱۶
۲۰. شاد، حامد، بررسی ادله ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، ماهنامه معرفت، سال بیست و هشتم، شماره ۲۶۳، آبان ۱۳۹۸، ص ۴۳-۵۴
۲۱. شاه‌علی، احمدرضا، شیوه‌های نظارت و اعمال آن‌ها در نظام مردم سالار اسلامی از منظر قانون اساسی، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۷۶، تابستان ۱۳۹۸، ص ۳۱-۵۵
۲۲. شاکری زواردهی، روح الله و حسین رجائی ریزی، اعتبار و جایگاه رأی اکثریت در نظام سیاسی اسلام، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، ص ۳۹۳-۴۱۲
۲۳. عبدخدایی، مجتبی و زهرا بیات، تأثیر نظام بین الملل مدرن بر الگوی رفتاری بازیگران دینی (با تأکید بر اسلام سیاسی)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۴۹، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۳۹-۱۵۸
۲۴. علویان، مرتضی و همکاران، حق رأی زنان در نظام سیاسی اسلام (بررسی پیشینه و مبانی)، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۰، شماره ۷۸، زمستان ۱۳۹۶، ص ۶۹-۸۸
۲۵. علویان، مرتضی و فرزاد حسینی، سازوکار فقهی و قانونی مهار و کنترل قوای حکومتی در نظریه "ولایت مطلقه فقیه"، فصلنامه حکومت اسلامی، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، ص ۴-۲۸
۲۶. علی اکبری بابوکانی، احسان و همکاران، بازپژوهی امکان و حجیت نظام‌سازی در فقه با تأکید بر نگره شهید صدر، فصلنامه فقه و اصول، سال چهل و هشتم، شماره ۱۰۷، زمستان ۱۳۹۵، ص ۸۷-۱۰۶
۲۷. عمید زنجانی، عباسعلی، شورای نگهبان و نظارت بر انتخابات، فصلنامه حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره ۴، ص ۵۹-۷۰



۲۸. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۶، فقه سیاسی، جلد دوم (نظام سیاسی و رهبری در اسلام)، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر
۲۹. غروی نائینی، نهله، مشارکت سیاسی زنان صدر اسلام، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۶، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۹۶-۲۲۴
۳۰. فوکو، میشل، ایران: روح یک جهان بی روح، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننیده، تهران، انتشارات نی.
۳۱. کلانتری، ابراهیم و همکاران، درآمدی بر مبانی مشارکت در اندیشه سیاسی اسلام، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۰، ص ۳۹-۶۸
۳۲. مصباح یزدی-الف، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، جلد دوم، تحقیق و نگارش محمدمهدی کریمی نیا، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۳۳. مصباح یزدی-ب، محمدتقی، ۱۳۸۸، نظریه سیاسی اسلام، جلد دوم، تحقیق و نگارش کریم سبحانی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۳۴. موسی زاده، ابراهیم، اصول و مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه "گام دوم انقلاب"، فصلنامه حکومت اسلامی، سال بیست و پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، ص ۱۱۲-۱۳۴
۳۵. میرمحمدی، سیدمحمد و همکاران، تحلیلی بر سازوکار نظارت و تعادل در روابط بین نهادهای حاکمیتی نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۵-۴۰
۳۶. نقوی، محمدباقر، نظام‌های سیاسی در تفسیر سیاسی امام خمینی (ره)، فصلنامه فرهنگ پژوهش (ویژه علوم سیاسی)، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۵، ص ۹۳-۱۱۸
۳۷. هاشمی، سیدمحمد، نظارت شورای نگهبان انضباطی است، نه استصوابی و نه استطلاعی، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی تطبیقی (مدرس)، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۷۹-۱۸۹
۳۸. هزاوی، سیدمرتضی و سیده فاطمه حسینی، بررسی اصول و سازوکارهای فقهی مشارکت سیاسی در اسلام، دوفصلنامه سیاست نامه مفید، دوره ۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۲۳-۴۶
۳۹. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت، ۱۳۹۹/۰۶/۰۲
۴۰. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با مردم در حرم امام رضا (ع)، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱
۴۱. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلامی و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱
۴۲. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار جمعی از جوانان اردبیلی، ۱۳۷۹/۰۵/۰۵